

اعتیاد در ایران و استان مازندران

دکتر اکبر علیوردی نیا*

چکیده

بررسی های آماری نشان می دهد که روند اعتیاد در کشور نوسانهای چشمگیری داشته و در استان مازندران نیز میزان اعتیاد پیوسته رو به افزایش است. در این نوشتار در آغاز تلاش شده است با تکیه بر موقع ژئوپلیتیکی ایران، به مسئله مواد مخدر و اعتیاد در ایران پرداخته شود؛ سپس با ارائه گزیده ای از آمارهای مربوط به استان مازندران، به لحاظ جرایم مربوط به مواد مخدر، وضع این استان در کشور روشن شود. در پایان، با اشاره به ضرایب مسیر رابطه میان توسعه شهری و جرایم اجتماعی در استان مازندران به لحاظ نظری این رابطه به گونه فشرده تبیین شده است. در واقع، می توان گفت که هر چه صنعتی شدن بیشتر باشد، نابسامانی اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود و از این رو وابستگیها و پیوندهای اجتماعی که بازدارنده رفتارهای جرمزاست، اثر خود را از دست خواهد داد.

۱- پیشگفتار

عصاره های گوناگون گیاهی، به گونه سنتی، در جشنهای مذهبی برای مکاشفات، در جنگ ها بعنوان يك محرک و در پزشکی برای کاهش درد کاربرد داشته است. در فرهنگ شرقی، مصرف مواد مخدر همواره بخشی از سنت بوده است، در حالی که در فرهنگ غربی پدیده اجتماعی به نسبت تازه ای به شمار می آید. بر سر هم مصرف تریاک در ایران مانند دیگر نقاط

مصرف مواد مخدر پدیده تازه ای نیست، بلکه پیشینه افسانه ای و دراز نزدیک به ده هزار سال دارد. انسان، خشخاش را از هزاران سال پیش می شناخته است. شواهد تاریخی نشان می دهد که مواد افیونی دستکم از هشت هزار سال پیش برای تسکین درد به کار می رفته است.

و از این رو می‌توان گفت که مسأله ترانزیت از عوامل بنیادی گسترش مواد مخدر و اعتیاد در کشور است. آشنایی قاچاقچیان بین‌المللی به مسیر ایران و همکاری قاچاقچیان ایرانی و قرار گرفتن ایران در همسایگی دو منطقه مهم «هلال طلایی» و «مثلث طلایی»، ایران را به یکی از دالانهای مهم ترانزیت مواد مخدر در جهان تبدیل کرده است. در واقع، ایران به علت همسایگی و داشتن مرزهای دراز با دو کشور تولید کننده مواد مخدر (افغانستان و پاکستان) پیوسته در معرض تهدید بوده است.

● ایران از دید جغرافیایی، گذرگاه مواد مخدر به غرب است و از این رو می‌توان گفت که مسأله ترانزیت از عوامل بنیادی گسترش مواد مخدر و اعتیاد در کشور است. آشنایی قاچاقچیان بین‌المللی به مسیر ایران و همکاری قاچاقچیان ایرانی و قرار گرفتن ایران در همسایگی دو منطقه مهم «هلال طلایی» و «مثلث طلایی»، ایران را به یکی از دالانهای مهم ترانزیت مواد مخدر در جهان تبدیل کرده است. در واقع، ایران به علت همسایگی و داشتن مرزهای دراز با دو کشور تولید کننده مواد مخدر (افغانستان و پاکستان) پیوسته در معرض تهدید بوده است، به گونه‌ای که از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون بیش از ۳ میلیون تن به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر دستگیر شده‌اند، که دستگیری نزدیک به ۲/۷ میلیون تن از آنان در ۱۵ سال گذشته (۱۳۶۸-۸۲) بوده است. ۶۵ درصد دستگیر شدگان معنادان و ۳۴ درصد قاچاقچیان بوده‌اند.

جهان دو هدف داشته است: یکی درمانی و دیگر تخدیری. گفتنی است که درمان با تریاک تنها به اثر پادزهری آن محدود نمی‌شده بلکه برای درمان بسیاری از بیماری‌ها مانند اسهال، دردهای عصبی، خستگی و... تجویز می‌شده است. تاریخ کاربرد تریاک، چه از نظر درمانی و چه از نظر تخدیری به درستی روشن نیست. شاید بتوان گفت که کاربرد درمانی تریاک مقدم بر کاربرد تخدیری آن بوده است (دانش، ۱۳۶۸: ۲۰۶). در اوستا از گیاه کانالیز که ماده‌ای بی‌حس کننده بوده نام برده شده است و با وجود آشنایی با کانالیز، ایرانیان در روزگار باستان به مواد مخدر معتاد نبوده‌اند (کوهن، ۱۳۷۳: ۲۲).

کشت تریاک در ایران تا پیش از انقلاب اسلامی، بسته به شرایط و مناسبات داخلی و خارجی ایران فراز و نشیب‌هایی داشته است. در گذشته ورود مواد مخدر از مرزهای خاوری کشور با هدف تأمین مصرف داخلی و فرستادن آن به اروپا و آمریکا، همواره یکی از مشکلات امنیتی و انتظامی بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی کشت تریاک یکسره ممنوع شد اما همسایگی ایران با پاکستان و افغانستان که بزرگترین تولید و عرضه کنندگان مواد مخدر در جهان هستند از یک سو، و قاچاق مواد مخدر از این کشورها و کشورهای آسیای جنوب خاوری به غرب و اروپا از سوی دیگر، ایران را به چهار راه مهم و استراتژیک مواد مخدر تبدیل کرده است.

۲- بیان مسأله:

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که در ایران میزان اعتیاد پیوسته رو به افزایش بوده و روند آن نوسانهایی چشمگیر داشته است. اعتیاد بعنوان آسیبی اجتماعی دارای عللی است که باید آنها را شناخت و در راه از میان بردن زمینه‌های اجتماعی مساعد برای ابتلای افراد گام برداشت. واقع شدن مراکز مهم تولید و قاچاق مواد مخدر در پیرامون ایران و اینکه مواد تولید شده از هر راهی باید به بازارهای مصرف در اروپا و آمریکا منتقل شود، از چالش‌های جدی برای ایران به‌شمار می‌آید. این جابه‌جایی ناگزیر از درون کشورهای سر راه انجام می‌گیرد و ایران از دید جغرافیایی، گذرگاه مواد مخدر به غرب است

۳- روش‌شناسی:

روش تحقیق، روش کتابخانه‌ای است، که داده‌های آن

بر پایه داده‌های ثانوی (secondary data) است. در واقع، یکی از روشهای گردآوری اطلاعات، بهره‌گیری از داده‌هایی است که از سوی دیگران برای هدفهایی متفاوت تولید می‌شود. داده‌های ثانوی، در واقع اشاره به همین گونه داده‌ها دارد. داده‌های ثانوی این مقاله بر گزارشها و آمارهای معتبر مانند داده‌های سازمان ملل، مرکز آمار ایران، ستاد مبارزه با مواد مخدر و نیروی انتظامی استوار است.

۴- پژوهشهای انجام شده:

بیشتر پژوهشهای انجام شده در ایران از دیدگاه روان‌شناختی و پزشکی به مسأله اعتیاد به مواد مخدر پرداخته است و بسیاری از آنها نیز در سطح توصیفی بوده و از حد برخی همبستگی‌های ساده آماری فراتر نرفته است. همچنین، تقلیل‌گرایی (reductionism) از ویژگیهای روشن بسیاری از پژوهشهای انجام شده در این حوزه است؛ یعنی در تبیین پدیده اجتماعی میزان اعتیاد به مواد مخدر به آنچه از جنس ادراکات (دلیل) است، استناد شده است. به‌سختی دیگر، درحالی که از رویکردی طبیعت‌گرایانه (naturalistic) برای پژوهش بهره گرفته می‌شود و آمارگیری انجام شده و تئوریهای به کار رفته در این پژوهشها نیز نشان از رویکرد پوزیتیویستی دارد، سرانجام تبیین به دلیل شده و به ویژگیهای فردی رجوع گردیده است. از این رو می‌توان گفت که نبود چارچوب نظری و کاستیهای روش‌شناختی از مصادیق آشکار بسیاری از این پژوهشها است.

۵- وضع مواد مخدر در ایران

۱- بزهکاران در پیوند با مواد مخدر

در ایران، روند دستگیری بزهکاران در پیوند با مواد مخدر در سالهای ۶۸ تا ۸۰ روندی افزایشی داشته است. در سال ۶۸ شمار دستگیر شدگان در این زمینه، ۲۵۴ تن در یکصد هزار تن بوده که با رشدی برابر ۸۱ درصد به

● در ایران، روند دستگیری بزهکاران در پیوند با مواد مخدر در سالهای ۶۸ تا ۸۰ روندی افزایشی داشته است. در سال ۶۸ شمار دستگیر شدگان در این زمینه، ۲۵۴ تن در یکصد هزار تن بوده که با رشدی برابر ۸۱ درصد به ۴۶۰ تن در سال ۸۰ رسیده است. در این سالها به گونه میانگین سالانه ۲۶۱ تن در هر صد هزار تن در سراسر کشور به اتهام ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر دستگیر شده‌اند.

به گونه‌ای که از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون بیش از ۳ میلیون تن به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر دستگیر شده‌اند، که دستگیری نزدیک به ۲/۷ میلیون تن از آنان در ۱۵ سال گذشته (۱۳۶۸۸۲) بوده است. ۶۵ درصد دستگیرشدگان معتادان و ۳۴ درصد قاچاقچیان بوده‌اند. میانگین شمار دستگیرشدگان در ارتباط با مواد مخدر در استان مازندران در دهه گذشته نیز نشان دهنده روند افزایشی آن است و به بیش از ۱/۵ برابر رسیده است. بر پایه آمارهای ستاد مبارزه با مواد مخدر، مجموع کشفیات مواد مخدر در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۸۸۲) کمابیش بر ۴۶۶۰ تن بوده است و اگر این مقدار مواد کشف شده را دست بالا ۲۰ درصد مواد مخدر وارد شده به کشور بدانیم، می‌توان گفت که نزدیک به ۲۳۳۰۰ تن مواد مخدر در ۲۵ سال گذشته برای مصرف داخلی و ترانزیت به کشورهای اروپایی و آمریکا وارد کشور شده است. تولید تریاک در افغانستان بین سالهای ۲۰۰۴-۱۹۸۶ (۱۳۶۵۸۲ هجری شمسی) بر سر هم ۴۴۲۵۵ تن بوده و مقدار کشفیات ۲۵ ساله در ایران، کمابیش به ۱۱ درصد تولید تریاک در افغانستان در این دوره می‌رسد. بر پایه گزارش‌های سازمان ملل، در سال ۲۰۰۴ کشت خشخاش در افغانستان ۶۴ درصد افزایش داشته است.

دستگیری قاچاقچیان مواد مخدر در استان قم با ۲۶۷ تن در هر یکصد هزار تن گزارش شده است در حالی که در استان آذربایجان شرقی این رقم تنها ۲۰ قاچاقچی بوده است. به سخن دیگر، در استان قم به گونه میانگین ۱۳/۳ برابر استان آذربایجان شرقی قاچاقچی مواد مخدر دستگیر شده است. پس از استان قم، استانهای کرمان (۲۵۰ تن) و هرمزگان (۲۳۵ تن) بیشترین موارد دستگیری قاچاقچیان مواد مخدر را گزارش کرده‌اند. از سوی دیگر، کمترین میزان دستگیری قاچاقچیان پس از آذربایجان شرقی، در استانهای آذربایجان غربی (۲۳ تن) و کهگیلویه و بویراحمد (۲۶ تن) به ثبت رسیده است.

بررسی داده‌های مربوط به سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که در این سال نیروی انتظامی استانهای تهران، خراسان، و قم به ترتیب با دستگیری ۳۷۵، ۳۷۰، و ۳۳۸ تن قاچاقچی مواد مخدر در هر یکصد هزار تن، سال پرکاری را پشت سر گذاشته‌اند، در حالی که در استانهای آذربایجان غربی (۴۳ تن)، گیلان (۵۱ تن)، و کهگیلویه و بویراحمد (۵۱ تن) قاچاقچیان مواد مخدر سال امنی را گذرانده‌اند (پیشین).

۵-۳. معتادان

شمار معتادان دستگیر شده در ارتباط با مواد مخدر در سراسر کشور در سالهای ۶۸ تا ۸۰ روند صعودی داشته است؛ بدین سان که پس از یک دوره کاهش در دستگیری معتادان که از سال ۶۸ آغاز شد و تا سال ۷۵ ادامه داشت،

۴۶۰ تن در سال ۸۰ رسیده است. در این سالها به گونه میانگین سالانه ۲۶۱ تن در هر صد هزار تن در سراسر کشور به اتهام ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر دستگیر شده‌اند که بیشترین شمار دستگیرشدگان مربوط به سال ۸۰ (۴۶۰ تن) بوده و کمترین رقم در سال ۷۱ (۶۵ تن) گزارش شده است. توزیع استانی دستگیرشدگان مواد مخدری بیانگر این نکته است که در استانهای کشور این میزان یکسان نبوده و نوسانهای به نسبت چشمگیر داشته است. برای نمونه، در حالی که در استان یزد ۵۱۳ تن در هر یکصد هزار تن در ارتباط با مواد مخدر دستگیر شده‌اند، این رقم در استان آذربایجان شرقی ۸۴ تن گزارش شده است. به سخن دیگر دستگیرشدگان در استان یزد ۶/۱ برابر استان آذربایجان شرقی بوده‌اند. پس از استان یزد، بیشترین شمار دستگیرشدگان در استانهای هرمزگان و قزوین بوده است، در حالی که غیر از استان آذربایجان شرقی، در استانهای آذربایجان غربی و ایلام کمترین میزان دستگیری بزهکاران در ارتباط با مواد مخدر گزارش شده است. همچنین آمار دستگیرشدگان در سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که در این سال بیشترین شمار دستگیرشدگان در استانهای قم و یزد، به ترتیب با ۷۴۰، ۶۹۶ تن در هر یکصد هزار تن گزارش شده است. این، در حالی است که استانهای آذربایجان شرقی (با ۱۷۴ تن)، آذربایجان غربی با (۱۷۸ تن)، و ایلام با (۱۹۴ تن) کمترین شمار مجرمان دستگیر شده در زمینه مواد مخدر را داشته‌اند (علی‌پوردی نیا، ۱۳۸۳).

۵-۲. قاچاقچیان

شمار قاچاقچیان دستگیر شده در ارتباط با مواد مخدر در سالهای ۶۸ تا ۸۰ در کشور روند صعودی داشته و با رشدی ۲۲۷ درصدی از ۴۳/۶ تن در هر یکصد هزار تن به ۱۴۲/۶ تن در سال ۸۰ افزایش یافته است. در همین دوره زمانی به گونه میانگین سالانه ۸۹/۴ تن در سراسر کشور بعنوان قاچاقچی مواد مخدر دستگیر شده‌اند که بیشترین رقم مربوط به سال ۷۸ با ۱۵۱ تن و کمترین آن مربوط به سال ۷۱ با ۲۰/۵ تن بوده است.

توزیع استانی قاچاقچیان دستگیر شده نشان دهنده وجود تفاوت میان استانهای کشور است، چنان که بیشترین

● از میان سه متغیر میزان جرم، روستانشینی و میزان دسترسی به مواد مخدر در پیش بینی میزان اعتیاد در استان مازندران، متغیر میزان جرم دارای ضریب مسیر بیشتری است؛ هر چند میزان جرم خود نقش يك متغیر میانگین را دارد و توسعه شهری متغیر مستقل برای تبیین میزان جرم به شمار می‌آید.

گزارش شده است. در واقع میزان دستگیری معتادان در استان قزوین ۵/۵ برابر این رقم در آذربایجان غربی بوده است. پس از استان قزوین، معتادان به مواد مخدر در استانهای یزد (۳۰۰ تن دستگیر شده به ازای هر یکصد هزار تن) و گلستان (۲۶۶ معتاد دستگیر شده) سروکار بیشتری با نیروی انتظامی داشته‌اند در حالی که پس از استان آذربایجان شرقی، دستگیری معتادان استانهای آذربایجان غربی (۶۴ معتاد دستگیر شده) و ایلام (۶۷ معتاد دستگیر شده) در رده‌های پایین کشوری قرار داشته است.

همچنین بررسی آمار مربوط به معتادان دستگیر شده در سال ۸۰ نشان می‌دهد که در این سال در استانهای مرکزی (۵۰۱ تن)، همدان (۴۹۳ تن)، و قزوین (۴۶۰ تن) بیشترین دستگیری معتادان گزارش شده است در حالی که کمترین دستگیری معتادان در استانهای خراسان، آذربایجان شرقی، و ایلام به ترتیب ۷۳، ۱۱۸، ۱۳۱ به ثبت رسیده است (پیشین).

جدول بالا نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۰ به ازای هر صد هزار تن، ۲۰۲/۳ کیلوگرم مواد مخدر کشف شده است که بیشترین میزان مربوط به تریاک با ۱۰۹/۰۸ کیلوگرم و کمترین میزان هروئین با ۵/۳۴ کیلوگرم به ازای هر صد هزار تن بوده است. در میان مواد کشف شده ۵۴٪ تریاک و ۲/۶۴٪ هروئین بوده است. در همین سال در هر ۱۰۰۰۰۰ تن، کمابیش ۴۶۰ تن در ایران در ارتباط با مواد مخدر دستگیر شده‌اند که بیشتر دستگیرشدگان را معتادان (۶۸ درصد) تشکیل داده‌اند. داده‌ها نشان می‌دهد کمابیش در برابر هر قاچاقچی دو معتاد دستگیر شده‌اند. داده‌ها همچنین گویای آن است که ۵/۱ خودرو، ۱/۲۶ موتورسیکلت و ۱/۵ سلاح در برابر هر صد هزار تن، کشف و توقیف شده است. میزان توقیف خودرو کمابیش ۴ برابر توقیف موتورسیکلت بوده است.

۶- میانگین بهای انواع مواد مخدر در کشور

در سالهای ۶۸ تا ۸۰ بهای انواع مواد مخدر در استان‌های کشور یکسان نبوده است. در حالی که میانگین

شمار معتادان دستگیر شده از ۲۱۱ تن در سال ۶۸ به ۱۴۱ تن در سال ۷۵ کاهش یافته بود، بار دیگر از سال ۷۶ میزان دستگیری معتادان افزایش یافت و از ۱۵۲ تن در سال ۷۶ به ۳۱۲ تن در سال ۸۰ رسید. بر سر هم در دوره سیزده ساله ۸۰-۱۳۶۸ میزان دستگیری معتادان با رشدی ۴۸ درصدی از ۲۱۱ تن به ۳۱۲ تن افزایش یافت. بیشترین رقم معتادان دستگیر شده در سال ۸۰ با ۳۱۲ تن و کمترین آن در سال ۷۱ با ۴۴ تن گزارش شده است. در این سالها به گونه میانگین سالانه ۱۶۴ معتاد به مواد مخدر در هر یکصد هزار تن در کشور دستگیر شده‌اند.

بررسی داده‌های استانی در سالهای ۶۸ تا ۸۰ نشان می‌دهد که توزیع معتادان دستگیر شده در استانهای کشور یکسان نبوده است. برای نمونه، در استان قزوین ۳۵۵ معتاد به ازای هر یکصد هزار تن دستگیر شده‌اند در حالی که این رقم در استان آذربایجان شرقی ۶۴ تن

جدول میانگین میزان کشفیات، دستگیرشدگان و

اموال مکشوفه و توقیفی در استانها در ۱۳۸۰

(در هر ۱۰۰ هزار نفر)

ردیف نوع میزان	میانگین	درصد
۱ کشفیات هروئین	۵/۳۴	۲/۶۴
۲ کشفیات مرفین	۱۱/۹۸	۵/۹۲
۳ کشفیات تریاک	۱۰۹/۰۸	۵۴
۴ کشفیات حشیش	۴۵/۶۲	۲۲/۵۶
۵ کشفیات دیگر مواد	۲/۳۹	۱۱/۸۱
۶ کل کشفیات	۲۰۲/۲۹	۱۰۰
۷ دستگیرشدگان قاچاقچی	۱۴۲/۶۷	۳۱/۰۳
۸ دستگیرشدگان معتاد	۳۱۲/۰۳	۶۷/۸۵
۹ دستگیرشدگان اتباع بیگانه	۵/۱	۱/۱۱
۱۰ کل دستگیرشدگان	۴۵۹/۹	۱۰۰
۱۱ باندهای متلاشی شده	۲/۰۴	-
۱۲ سلاح مکشوفه	۱/۵۲	-
۱۳ خودرو توقیفی	۵/۱۰	-
۱۴ موتورسیکلت توقیفی	۱/۲۶	-

مأخذ: ستاد مبارزه با مواد مخدر؛ دفتر برنامه‌ریزی و آمار

حشیش در سال‌های مورد بررسی کمترین درصد رشد را داشته است؛ یعنی بهای هر کیلو حشیش از ۹۴۶۸۷ تومان در سال ۶۸ به ۲۸۲۸۴۶ تومان در سال ۸۰ افزایش یافته است. در واقع در این سال‌ها، بهای حشیش ۲/۹ برابر شده است. بر سر هم بهای تریاک، هروئین، و حشیش در ایران در سال‌های ۶۸ تا ۸۰، ۳/۴ برابر شده است.

۷- وضع استان مازندران

موقع ژئوپلیتیکی ایران، قرار گرفتن آن در گذر کوتاه‌ترین و ارزانه‌ترین راه ترانزیت مواد مخدر و همسایگی اش با منطقه «هلال طلایی» بعنوان یکی از بزرگترین مناطق کشت و تولید مواد مخدر و ... موجب شده است که شعار ریشه کن کردن مواد مخدر تاکنون تحقق نیابد. نزدیک به یک سده است که مواد مخدر از پاکستان و افغانستان به ایران سرازیر می‌شود. شرایط و ویژگی‌های قومی و پیوندهای نزدیکی که سالها میان اقوام و باشندگان در سوی مرز وجود داشته و داد و ستدهایی که میان آنها بوده، چنین زمینه‌ای را فراهم ساخته است. مواد مخدر وارد شده به استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان در مسیرهای گوناگون به گردش درمی‌آید، که یکی از مهمترین آنها استان مازندران است. استان مازندران به علت همسایگی با استانهای گلستان و خراسان، یکی از گذرگاههای مواد مخدر به‌شمار می‌آید. مواد مخدر از تربت جام، مشهد، قوچان و بجنورد به گنبد، گرگان، ساری، بابل و آمل و سپس به تهران می‌رسد. همچنین استان سمنان - که خود با استان خراسان هم‌مرز است - از دیگر گذرگاههای مواد مخدر به مازندران به‌شمار می‌آید.

این وضع محدود به روزگار ما نیست، بلکه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در مازندران بسیاری کسان که ناگزیر از استعمال مواد مخدر بودند، بوسیله دلالان، پنهانی تریاک «باندل‌دار» از دیگر نقاط و بویژه خراسان وارد می‌کردند و به مصرف می‌رساندند (شهیدی، ۱۳۷۵: ۱۰۱). برای نمونه، گزارش پیشکار وقت دارایی مازندران از وضع اعتیاد و مواد مخدر در این استان، سخت

بهای یک کیلو تریاک در سال‌های یاد شده در کشور ۳۰۰/۵۴۶ تومان اعلام شده است، در گران‌ترین استان، یعنی قزوین، مصرف کنندگان تریاک برای هر کیلو تریاک ۶۱۱/۰۰۰ تومان پرداخت کرده‌اند، در حالی که خریداران تریاک در استان سیستان و بلوچستان برای خرید یک کیلو تریاک ۸۶۶۹۲ تومان هزینه کرده‌اند. در واقع، بهای تریاک در استان قزوین بیش از ۷ برابر بهای آن در استان سیستان و بلوچستان بوده است.

نگاهی به بهای حشیش نشان می‌دهد که در سال‌های مورد بررسی، بهای یک کیلو حشیش در کشور کمابیش ۱۴۹۰۰۰ تومان بوده است که بیشترین و کمترین بها به ترتیب در استان‌های قزوین و سیستان و بلوچستان با ۳۴۴/۲۵۰ و ۳۳/۵۳۸ تومان گزارش شده است. به سخن دیگر، مصرف کنندگان حشیش در قزوین ۱۰/۳ برابر هم‌متایان خود در استان سیستان و بلوچستان برای خرید یک کیلو حشیش پول پرداخت کرده‌اند.

سرانجام، با بررسی بهای هروئین در سال‌های ۶۸ تا ۸۰ در سراسر کشور روشن می‌شود که میانگین بهای یک کیلو هروئین ۱۵۷۶۸۴۳ تومان بوده است. این در حالی است که هر کیلو هروئین در استان قزوین ۲۸۹۳۳۷۵۰ تومان به فروش رفته است و در برابر، مصرف کنندگان این ماده مخدر در سیستان و بلوچستان ۴۳۲/۴۶۲ تومان برای خرید یک کیلو هروئین هزینه کرده‌اند. به سخن دیگر، بهای هروئین در استان قزوین کمابیش ۶/۷ برابر بهای آن در سیستان و بلوچستان بوده است. بر سر هم در سال‌های ۶۸ تا ۸۰، استان سیستان و بلوچستان در سنجش با استان قزوین ارزان‌ترین مرکز فروش تریاک، هروئین و حشیش بوده است.

در سالهای ۶۸ تا ۸۰ بهای مواد مخدر در ایران دارای روند صعودی بوده است. بیشترین افزایش در دوره یاد شده در بهای تریاک رخ داده است؛ بدین گونه که با افزایش ۵/۶ برابری، از کیلویی ۱۶۸۳۵۰ تومان در سال ۶۸ به ۹۵۱۰۰۸۱ تومان در سال ۸۰ رسیده است. پس از آن شاهد ۴/۵ برابر شدن بهای هروئین در این دوره سیزده ساله هستیم که از ۵۱۳۴۱۷ تومان در سال ۶۸ به ۲۳۳۱۷۸۶ تومان در سال ۸۰ افزایش یافته است. اما بهای

خیلی گرانتر تمام می‌شود. از این رو، برای قاچاقچیان هم که از هر طبقه، کاسب، دلال، مأمور دولت، شوهرها، ژاندارم و ترکمانان که قاچاقچی مسلح هستند معامله در این کار دارای منافع سرشاری است که در حقیقت کسب و کار خودشان را کنار گذاشته و به این کار پرداخته‌اند و در این منطقه هم هر چه در کشف قاچاق جدیت به خرج داده شود بهای تریاک را مرغوب‌تر نموده و به نفع کامل قاچاقچی تمام می‌شود» (پیشین: ۱۰۲-۳).

استان مازندران به لحاظ میزان دستگیری‌های مربوط به مواد مخدر در سالهای ۱۳۶۸-۱۳۸۰ در میان استان‌های کشور در رتبه نهم (میانگین ۳۵۵ تن در هر صد هزار تن) بوده است. همچنین استان گلستان (۲۸۸ تن در هر صد هزار تن) در رده دوازدهم و استان گیلان (۲۳۹ تن در هر صد هزار تن) در رده چهاردهم قرار داشته است (علیوردی‌نیا، ۱۳۸۳).

آمار دستگیرشدگان در رابطه با مواد مخدر در استان مازندران در سالهای ۱۳۶۸-۱۳۸۰ نشان می‌دهد که میانگین دستگیرشدگان در این دوره سیزده ساله ۳۵۵ تن در هر صد هزار تن بوده است؛ یعنی از هر یکصد هزار تن، ۳۳۵ تن به علت جرایم مربوط به مواد مخدر دستگیر شده‌اند. برپایه آمارها، میزان دستگیری‌های مرتبط با مواد مخدر در استان مازندران روند افزایشی داشته است: در سال ۱۳۶۸ شمار دستگیرشدگان در رابطه با مواد مخدر ۲۱۷ تن بوده، در حالی که در سال ۱۳۸۰ این رقم به ۶۹۵ تن در هر صد هزار تن افزایش یافته است. به سخن دیگر، میزان دستگیرشدگان به علت جرایم مربوط به مواد مخدر سه برابر شده است (پیشین).

از ۶۲۶۲۳ تن دستگیر شده در رابطه با مواد مخدر در سالهای ۷۶-۷۰ در استان مازندران ۵۷۱۳۳ تن مرد و ۵۴۹۰ تن زن بوده‌اند. به سخن دیگر، از کل کسانی که در رابطه با مواد مخدر دستگیر شده‌اند ۹۱ درصد مرد و ۹ درصد زن بوده‌اند. در میان مردان از مجموع ۵۷۱۳۳ تن ۷۴ درصد به جرم اعتیاد و ۲۶ درصد به جرم توزیع مواد مخدر دستگیر شده‌اند (علیوردی‌نیا، ۱۳۷۷). در سال ۱۳۷۴ پیش از تفکیک استان‌های گلستان و مازندران، در میان هفده شهرستان استان مازندران، ساری به لحاظ میزان دستگیرشدگان در رابطه با مواد مخدر در

● با صنعتی شدن و شهرنشینی ممکن است بی‌سازمانی اجتماعی پدید آید و هر چه یک جامعه بیشتر صنعتی شود و تنوع بیشتری پیدا کند، وابستگی‌های اجتماعی که بازدارنده رفتارهای جرم‌زا است اثر خود را از دست خواهد داد؛ زیرا آثار و پیامدهای توسعه مانند بالا رفتن آموزش، مهاجرت از روستا، ماهیت ناپایدار نیروی کار و تأکید بر کالاهای مادی، باعث سستی گرفتن مکانیسم‌های کنترل غیررسمی و افزایش جرم می‌شود.

تکان‌دهنده و نشان‌دهنده وضع نابسامان مازندران به لحاظ میزان اعتیاد به مواد مخدر و نیز راههای ورود تریاک به این استان است. در بخشی از این گزارش آمده است: «کیفیت قاچاق تریاک هم در مازندران به طوری که از پرونده‌های مربوطه مستفاد می‌شود، این طور است که قاچاقچیان زیادی تریاک را از خراسان از طریق شاهرود، گرگان و یا از فیروزکوه با راه آهن و غالباً با ماشین به مازندران وارد و با دست‌های دوم و سوم به معتادان می‌فروشدند و سوخته حاصله از وافور هم به بهای زیاد از دست معتادان خریداری و به خراسان که مصرف شیرمه مطبوع دارد می‌برند و از این راه استفاده‌های سرشار می‌کنند و با عده قلیل بازرس تاجایی که ممکن باشد و مأموران کشف صداقت به خرج بدهند کشفیاتی می‌شود و مجرمان طبق مقررات قانونی تعقیب می‌گردند».

همچنین در این گزارش آمده است: «در مازندران بیشتر از چهل درصد مبتلا به استعمال تریاک می‌باشند... در مازندران هم که اصولاً استعمال تریاک ممنوع است و در موارد کشف اعم از باندروله و یا غیر باندروله قاچاق محسوب و مستلزم وصول جریمه و تعقیب قانونی برای مرتکبان است این احتیاج برای معتادان شدیدتر و بهای تریاک از نقاط دیگر برای آنها

در واقع جامعه هر چه گسترش یابد و متراکم تر شود، توان کمتری برای سلطه بر فرد خواهد داشت و در نتیجه، دیگر به خوبی گذشته نمی تواند گرایش های متباینی را که پدید می آید مهار کند. برای پی بردن به این نکته، کافی است شهرهای بزرگ را با شهرهای کوچک تر بسنجیم. در شهرهای کوچک، هر کس بخواهد از هنجارها و عادات رایج سرپیچی کند با مخالفت هایی گاه بسیار سخت روبه رو می شود و با چنان رسوایی و سرزنش همگانی همراه است که کمتر کسی یارای پیروی از این رفتار را می یابد. برعکس، در شهرهای بزرگ فرد بسی بیشتر از قیدوبندها آزاد است و این نکته ای است که به تجربه ثابت شده و در اعتبار آن نمی توان تردید کرد زیرا هر اندازه نظارت افکار عمومی بر کارها و رفتار ما بیشتر باشد وابستگی ما نیز بیشتر خواهد بود (دورکیم، ۱۳۶۹: ۳۱۸). از این رو، با صنعتی شدن و شهرنشینی ممکن است بی سازه های اجتماعی پدید آید و هر چه يك جامعه بیشتر صنعتی شود و تنوع بیشتری پیدا کند، وابستگی های اجتماعی که بازدارنده رفتارهای جرم زا است اثر خود را از دست خواهد داد؛ زیرا آثار و پیامدهای توسعه مانند بالا رفتن آموزش، مهاجرت از روستا، ماهیت ناپایدار نیروی کار و تأکید بر کالاهای مادی، باعث سستی گرفتن مکانیسم های کنترل غیر رسمی و افزایش جرم می شود.

فهرست منابع

- دانش، تاج زمان. مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست. تهران. کیهان ۱۳۶۸.
- شهیدی، محمدحسین. مواد مخدر، امنیت اجتماعی و راه سوم. تهران. اطلاعات. ۱۳۷۵.
- دورکیم، امیل. درباره تقسیم کار اجتماعی. باقر پرهام. کتابسرای بابل. ۱۳۶۹.
- علیوردی نیا، اکبر. مطالعه جامعه شناختی میزان اعتیاد به مواد مخدر در ایران. تهران. ستاد مبارزه با مواد مخدر ۱۳۸۳.
- علیوردی نیا، اکبر. مطالعه طولی - تطبیقی میزان اعتیاد به مواد مخدر در استان مازندران. تهران. ستاد مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۷.
- کوهن، آلن. فرهنگ مواد مخدر. حسن حاج سید جواد. تهران. نشر سعید محبی. ۱۳۷۳.

سطح استان در رتبه یازدهم قرار داشته است؛ یعنی ۱۵۰ تن بزهکار در رابطه با مواد مخدر (معتاد و توزیع کننده) در هر صد هزار تن. به سخن دیگر، پس از مینودشت، رامسر، گنبد، علی آباد، کردکوی، بندر ترکمن، نوشهر، نور، و گرگان (به ترتیب) ساری دارای بیشترین بزهکاران در این زمینه در سطح استان بوده است (پیشین)، در حالی که، شمار بزهکاران در رابطه با مواد مخدر در ساری از ۱۵۰ تن (در سال ۱۳۷۴) به ۲۴۶ تن در سال (۱۳۸۰) در هر صد هزار تن افزایش یافته است؛ یعنی، شمار دستگیرشدگان در این زمینه ۱/۶ برابر شده است؛ البته میانگین دستگیرشدگان در رابطه با مواد مخدر در استان در سال ۱۳۸۰، ۲۹۸ تن و از این لحاظ شمار دستگیرشدگان در ساری، کمتر از میانگین استان بوده است.

۸- نتیجه گیری

از میان سه متغیر میزان جرم، روستائین و میزان دسترسی به مواد مخدر در پیش بینی میزان اعتیاد در استان مازندران، متغیر میزان جرم دارای ضریب مسیر بیشتری است؛ هر چند میزان جرم خود نقش يك متغیر میانگین را دارد و توسعه شهری متغیر مستقل برای تبیین میزان جرم به شمار می آید (علیوردی نیا، ۱۳۷۷). در تبیین نظری این رابطه می توان گفت که از دید دورکیم، از يك جامعه با يك نسبت جمعیتی بالاتر، انتظار می رود که به لحاظ اخلاقی متراکم تر باشد. تراکم اخلاقی پدید آورنده يك نیاز برای تولید کار آور کالاها برای برآورده ساختن تقاضای جمعیت است. از این رو، رابطه ای مستقیم میان تراکم اخلاقی و استعداد صنعتی و تقسیم کار پیش بینی می شود. اگر اجزای هنجاری جامعه اثر خود را درحالی از همبستگی ارگانیک از دست بدهد، آرزوها و گرایشهای انسان گونه ای بی قاعده پیدا خواهد کرد و از توان جامعه برای برآورده ساختن آنها فراتر خواهد رفت. هر چه صنعتی شدن بیشتر و تقسیم کار گسترده تر باشد، سطح ناهنجاری بیشتر خواهد بود. یعنی از يك جامعه با ناهنجاری بالا، انتظار می رود که دارای درجه بالایی از بی سازه های اجتماعی باشد.